

انگلیسی با کوبو

Are you a big fan of

شما هم مثل من طرفدار پرو پا قرص

stop-motion animations like me?

انیمیشن های استاپ موشن هستین؟

So you're gonna love this!

پس عاشق این میشین!

My name is Kubo.

اسم من کوبوئه.

I look after my mother mostly.

من بیشتر اوقات از مادرم مراقبت میکنم.

What was father like?

پدر چجور آدمی بود؟

He was just like you,

دقیقا مثل تو بود

strong and so handsome.

قوی و خیلی خوش تیپ.

Mother!

مادرا!

Kubo and the Two Strings

کوبو و دو ریسمان

is a 2016 American stop-motion animated

یه انیمیشن استاپ موشن آمریکایی

action fantasy film

اکشن تخیلی محصول سال ۲۰۱۶ هست

directed by Travis Knight

به کارگردانی تراویس نایت

and produced by animation studio Laika.

و تهیه شده توسط استودیو انیمیشن لایکا.

It's the story of a young boy, Kubo,

داستان یه پسر جوان به نام کوبوست

growing up in a fantastical version

که تو نسخه ی خیالی

of ancient Japan.

ژاپن باستان بزرگ میشه.

A special one-eyed boy

یه پسر خاص تک چشم .

who has the magic

که قدرت جادویی

of bringing his origami characters to life

جان بخشیدن به شخصیت های اوریگامیش (کاردستی کاغذی)

by playing the shamisen,

با نواختن ساز شامیسن

a stringed Japanese instrument.

ساز زهی ژاپنی رو داره.

I use magic to tell stories.

من از جادو برای قصه گفتن استفاده میکنم.

If you must blink, do it now!

اگه باید پلک بزنی، الان بزنی!

About epic battles,

درباره‌ی نبردهای حماسی

warriors, monsters!

جنگجوها، هیولاها!

But I had no idea

ولی نمیدونستم

my stories were actually true...

که قصه‌هام واقعا حقیقت داشتن...

Kubo...

کوبو...

We've been looking for you for so long!

ما خیلی وقته دنبالتیم!

His mother told him

مادرش بهش گفت

that he cannot be seen out in the night's sky

که نمیتونه تو تاریکی شب بیرون دیده بشه

because his otherworldly grandfather,

چون پدربزرگ دگرجهانی اون،

the Moon King,

فرمانروای ماه

would return to Earth

برمیگرده به زمین

and take his other eye.

و اون یکی چشمش هم میگیره.

When Kubo stays out too late one evening

وقتی کوبو به شب تا دیروقت

after a festival to honor the spirits of the dead,

بعد از جشنواره برای بزرگداشت ارواح مردگان بیرون میمونه

his mother protects him against her evil sisters

مادرش ازش در برابر خواهرهای خبیثش محافظت میکنه

and sends him on a journey

و میفرستتش به یه سفری

to find the only thing that will keep him safe:

تا تنها چیزی که در امان نگهش میداره رو پیدا کنه:

his father's magical armor.

زره جادویی پدرش.

Mother!

مادرا!

Kubo you must find your father's armor.

کوبو تو باید زره پدرت رو پیدا کنی.

It's your only chance!

این تنها شانس توعه!

Kubo!

کوبو!

Who are you?

تو کی هستی؟

Guided by an encouraging Monkey

با راهنمایی های یه میمون مشوق

and helped by a samurai Beetle,

و با کمک یه سوسک سامورایی

Kubo must find the sword,

کوبو باید شمشیر

the breastplate,

زره سینه

and the helmet

و کلاه خود رو پیدا کنه

that will help him defeat his grandfather.

که با کمک اونا بتونه پدر بزرگش رو شکست بده.

I'm here to protect you Kubo

من اینجا هستم که ازت مراقبت کنم کوبو

and that means you have to do as I say.

و این یعنی تو باید کاری که من میگم رو انجام بدی.

Don't mess with the Monkey!

با میمون در نیوفت!

Have you seen this crest before?

این نشان رو قبلا دیدی؟

Of course!

البته!

This is a miracle!

این یه معجزه ست!

I have found the son of my master!

من پسر استادم رو پیدا کردم!

Your quest is now my quest too!

حالا جستجوی تو جستجوی منم هست!

That's enough!

همین کافیه!

I'm not gonna spoil any details!

نمیخوام جزئیاتش رو لو بدم!

You can watch this amazing movie

شما میتونین این فیلم فوق العاده رو

on Zabanshenas app.

تو اپلیکیشن زبانشناس ببینید.

It's definitely a must-watch!

قطعا از اون فیلماییه ک باید دیده بشه!

Just click on Zoom,

فقط روی زوم کلیک کن

go through the movies

برو بین فیلم‌ها

and then you can find it right there!

بعد میتونی درست اینجا پیدااش کنی!

And by the way

و راستی

the link to download the app is in the bio!

لینک دانلود اپلیکیشن تو بایو هست!

Now let's see a short part of

حالا بریم به بخش کوتاهی

one of my favorite scenes

از یکی از صحنه های مورد علاقه م رو ببینیم

and learn some vocabulary.

و به سری واژه یاد بگیریم.

It's a shame you never stay past sundown.

حیف که هیچ وقت بعد از غروب آفتاب نمیمونی.

There's fireworks and singing and dancing

آتیش بازی، آواز خوندن، رقصیدن

and feasting, of course.

و البته جشن (سور دادن) داریم.

It's a shame

حیف

or what a shame

یا چقدر حیفه

is used when you wish a situation were different,

وقتی به کار میره که تو دلت میخواست به وضعیتی متفاوت بود

and you feel sad or disappointed.

و احساس ناراحتی و ناامیدی میکنی.

Fireworks are small objects

Fireworks چیزای کوچیکی هستن

that are lit to entertain people

که روشنشون میکنن که تو مناسبتای خاص

on special occasions.

مردم رو سرگرم کنن.

Feast as a noun means a large meal

Feast به عنوان اسم یعنی یه وعده‌ی بزرگ

where a lot of people celebrate a special occasion.

وقتی تعداد زیادی از آدم‌ها یه مناسب خاص رو جشن میگیرن.

Like a wedding feast.

مثل جشن (سور) عروسی.

But as a verb,

ولی به عنوان فعل

it means to eat and drink a lot

یعنی زیاد خوردن و نوشیدن

to celebrate something.

به منظور جشن گرفتن چیزی.

But the best part of all...

ولی بهترین قسمتش...

Do you see those lamps and altars?

اون چراغ ها و قربانگاه ها رو میبینی؟

We use those to speak to the loved ones

ما از اونا برای صحبت با عزیزانی

that left us behind.

که از دستشون دادیم استفاده میکنیم.

the loved ones that left us behind

عزیزانی که از دستشون دادیم

That's a nice way

این یه راه خوب

to refer to the people we have lost.

برای اشاره به آدماییه که از دست دادیم.

We listen to their tales

به افسانه هاشون گوش میدیم

and guide their safe return

و برای صحیح و سالم برگشتن

to the blissful pure land.

به سرزمین پاکِ پر از شادکامی راهنماییشون میکنیم.

really?

واقعا؟

Did you speak to someone?

با کسی حرف زدی؟

Yes I did, my husband.

آره، زدم، شوهرم.

A tale is a story,

tale یه داستان

often involving magic or exciting events.

اغلب شامل سحر و جادو یا اتفاقات هیجان انگیز میشه.

blissful

پراز شادکامی

means extremely happy;

یعنی بسیار خوشحال

full of joy.

پراز شادمانی.

His voice was as clear and loud

صداش مثل صدایی که تو باهاش قصه ها تو میگی

as the one you use for your stories.

واضح و بلند بود.

In 72 years, he never had a thing to say,

تو ۷۲ سال، اون هیچ وقت چیزی برای گفتن نداشت

now he's gone I can't shut him up!

حالا که رفته نمیتونم دهنشو ببندم!

Oh my God

وای خدا

I know you wanna watch that again!

میدونم که میخواید دوباره ببینید!

In 72 years, he never had a thing to say,

تو ۷۲ سال، اون هیچ وقت چیزی برای گفتن نداشت

now he's gone I can't shut him up!

حالا که رفته نمیتونم دهنشو ببندم!

Okay,

خب

to shut someone up

means to make them stop talking!

یعنی کاری کنی که حرف نزنه!

Make them be quiet!

کاری کنی ساکت شه!

All right!

خب!

If you wanna learn more vocabulary

اگه میخوای لغات بیشتری یاد بگیری

and see some exciting behind the scenes footage

و یه سری ویدئوی پشت صحنه ی هیجان انگیز ببینی

watch the full version of this video on Zabanshenas.

نسخه ی کامل ویدئو رو تو زبانشناس ببین.

Bye!

خدانگهدار!

Do you need a little help?

یکمی کمک میخوای؟

No, no, no!

نه، نه، نه!

Yes!

آره!